

مقدمه:

همکاران محترم ما در مقطع راهنمایی امورتربیتی منطقه ۳ تهران، طی جلسات «تبادل تجربیات مسئولین و مربیان» مسائل و موضوعات گوناگونی را پیرامون مشکلات رفتاری مورد بحث قرار داده‌اند و حاصل آن جزوات مفیدی است که در اختیار مربیان محترم و دیگر همکارانشان قرار می‌گیرد.

بحث ذیل نیز حاصل نشست‌های متعددی است که پیرامون «دروغگوئی، علل پیدایش و نحوه برخورد با آن» صورت پذیرفته است، با تشکر از این عزیزان بدرج این موضوع مبادرت می‌ورزیم

\*\*\*

- جمیع اعمال خبیثه درخانه‌ای هست که کلید آن دروغ است.

(امام حسن عسگری (ع))

جمیع اعمال خبیثه درخانه‌ای قرار دارد که کلید آن دروغ است. امام حسن عسگری (ع): دروغ گفتن انحراف از صراط مستقیم فطرت و خلقت است زیرا هر انسانی بالفطره مایل است راست بگوید و همچنین سخنانی را که از دیگران می‌شنود راست تلقی کند. یکی از وظایف پدران و مادران در تربیت فرزند پرورش فطرت راستگوئی کودک است. پدر و مادر موظفند در محیط خانواده طوری رفتار نمایند که اطفال برآستی و راستگوئی عادت کنند و به راه دروغگوئی که انحراف از صراط مستقیم فطرت است گرایش پیدا نکنند و این امر از پرورش صفات در کودکان دشوارتر است و

برای رسیدن به این نتیجه مراقبت‌های علمی و عملی بسیاری لازم است. خلاصه اینکه از میان همه معایبی که ما کوشش داریم از وجود کودکان برطرف سازیم دروغ یکی از آنها نیست که بیش از سایر موارد سبب خشم و سردرگم شدن ما می‌شود، علتش این است که انسان به دشواری می‌تواند درباره دروغ بویژه راجع به دروغگو تصویری درست و حقیقی داشته باشد،

خانواده‌ها این ناخوشی خانمان برانداز را کوچک و ناچیز تلقی می‌کنند و اساساً در فکر پیشگیری و یا درمان آن نیستند.

اگر فرزند آنها یک شب تب کند یا عطسه نماید سخت ناراحت می‌شوند ولی از دروغ گفتن فرزند خویش تأثیری ندارند خانواده‌های دیگری هستند که کم و بیش به اهمیت و خطر دروغگوئی متوجهند و ازاینکه فرزندشان

# علل دروغگوئی و نحوه پیشگیری آن

دروغ می‌گوید ناراحت می‌شوند ولی راه جلوگیری و درمان آنرا نمی‌دانند و در نتیجه دروغ مانند وبا، اغلب خانواده‌ها را آلوده کرده و همواره از عوارض شوم و زیانبخش آن مستقیم یا غیرمستقیم رنج می‌برند.

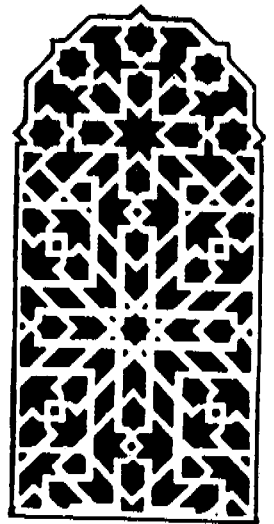
اسلام دروغ را مخرب ایمان شناخته و یکی از گناهان کبیره دانسته و مع الاسف می‌بینیم که بچه‌های کوچک بآن دچار می‌شوند و از کودکی بآن عادت می‌کنند و ازاینکه دیگران را با گفته‌های نادرست و غیرواقعی خود گمراه نمایند مسرور می‌شوند (دروغگوئی آدمی را به سایر

دروغ را نباید برای بچه‌ها یک عمل ساده فرض کرد زیرا در حال عادی و دست کم نزد کودکان نندارست و طبیعی دروغ نباید وجود داشته باشد. اشتباه و خطا و ناتوانی ما در مبارزه با دروغ همه از آنجا سرچشمه می‌گیرد که ما این عمل را از نظر نفس آن مورد قضاوت قرار دهیم. بدون اینکه علت، هدف و نوع دروغ و شرایط و کیفیت و وضع دروغگورا در نظر آوریم.

دروغگوئی ناخوشی خطرناکی است که ممکن است از دوران کودکی بروز نماید و بیمار تا پایان عمر بآن مبتلا باشد. بدبختانه بعضی از

هان نیز آلوده می کند.

مردی به رسول اکرم (ص) عرض کرد: مرا به عملی راهنمایی فرما که باعث قرب من بخدا شود. حضرت فرمود: دروغ نگو، این دستور باعث شد که آن مرد از تمام گناهان اجتناب نماید زیرا قصد هرگناهی را که نمود متوجه می شد یا در آن گناه و غی وجود داشت و یا سرانجام او را دروغگونی می کشاند برای اینکه



آلوده به دروغ نشود تمام گناهان را ترک گفت.

### انواع دروغ در کودکان و نوجوانان

دروغ را می توان به ۷ دسته تقسیم نمود:

۱- دروغ بازی، که با آن حوادث تخیلی یا بازی را به دیگران می باوراند (که غالباً در سنین پائین دیده می شود)

۲- دروغ مبهم، که از ناتوانی کودک در گزارش دقیق جزئیات و یا معاطله کردن یک مسئله بنا به پیشنهاد و تشویق فرد دیگر ناشی می شود.

۳- دروغ پوچی که کودک

جهت جلب توجه دیگران به کار می برد.

۴- دروغ انتقامجویانه که از نفرت ناشی می شود.

۵- دروغ محدود که در نتیجه ترس از تنبیه بدنی است.

۶- دروغ خودخواهانه - دروغ حسابشده ای است جهت گول زدن دیگران تا آنچه می خواهد بدست آورد.

۷- دروغ عارضی یا وفادارانه بمنظور حفظ و مراقبت از یک دوست.

دربین کودکان کم سنتر دروغگونی بیشتر جنبه خیالبافی و رویاندیشی دارد و کمتر بمنظور فریب دیگران است. بسیاری از کودکان می گویند که از نظر ما خلاف حقیقت است - بی شک چنین امری ما را خشمگین می سازد آنچنان که وادار می شویم آنها را تنبیه کنیم و یا در مواردی دیگر گفته های طفل اگرچه راست و درست باشد مورد توجه ما قرار نمی گیرد. می دانیم که دروغ برای کودک زیانبخش است و اگر بدان عادت کند تدریجاً شخصیتش، متزلزل شده و اعتبار خود را از دست خواهد داد. او نیازمند به این امر است که جلب اعتماد اولیاء و مربیان خود را بنماید تا بتواند رشد کند. به هنگامیکه بزرگترها چنین اعتمادی به او نداشته باشند او رشد نخواهد کرد. بعدها اگر دردی بواقع او را رنج دهد و بخواهد آنرا علنی نماید موفق نخواهد شد. کودک دروغگو کم کم اظهار نظر صریح خود را از دست خواهد داد و بخصوصی که درباره حرفهای خود ایمان نخواهد داشت و آن قاطعیت و صراحتی که برای ادامه کار و زندگی او لازم است از میان خواهد رفت.

### علل دروغگونی

دروغگونی نوعی ناسازگاری و نابهنجاری است و باید اصلاح شود- در طریق اصلاح و بازسازی کودک گام اول شناخت علل است باید دید که کودک چرا دروغ می گوید- انگیزه او در این امر چیست؟ آیا بعلت ترس یا بعلت عدم اعتماد به والدین و مربیان است. آیا بخاطر جلب نظر و عنایت یا بدان خاطر که خود را بزرگتر از آنچه هست جلوه دهد دروغ می گوید

۱- تخیل -

چه بسیار کودکان مطالبی بزبان می آورند و آنرا حقیقت می شناسند در حالیکه خیالی پیش نیست تخیل در کودکان بسیار قوی است و آنچنانکه گویی صحنه مورد خیال را در برابر چشم خود می بینند گرچه ظاهراً آنچه می گوید دروغ است اما از نظر ذهن کودک درست و حتی عین واقع است.

### ۲- آرزو و رویا

گاهی طفل آرزوی داشتن چیزی را در دل می پروراند از شدت میل و علاقه در وصول بان خود را دست یافته بدان و در آن عالم گمان می یابد. این امر در روزها و لحظات اول برای طفل مشخص است که صورت واقعی ندارد ولی بعدها شدت آرزوها و تلقین او را، و او می دارند که مسائل خود را واقعی تلقی کند.

همان امری که ما دروغش می پنداریم. زمانی هم که این امر وجه دیگری دارد و آن اینکه بیان مسئله گرچه دروغ است ولی او را اشباع و ارضا می کند او آنقدر مساله مورد آرزو را بزبان می آورد تا بدان برسد و یا از آن سیر شود و برای بازسازی باید سعی در برآوردن آرزو و یا تعدیل آن کرد.

### ۳- بی اعتمادی

گاهی طفل بوالدین بی اعتماد است و با مربیان خود رابطه خوبی ندارد، گمان دارد آنها اسرار او را برملا می سازند و آبروی او را می برند یا فکر می کند اگر حقیقت را بگویند نتیجه مورد نظر بدستش نمی آید یا در نزد دیگران خوار و حقیر می شود و بدین نظر دروغ می گوید. کودک می که رازی را با مادر در میان گذاشته و از او خواسته آنرا از پدر مکتوم کند ولی مادر طبق مصالحی به پدر گفته و پدر ناشایسته به رخس کشیده طبعاً اعتماد کودک را سلب نموده، او از این پس ناگزیر می شود که حقیقت را نگوید و بدروغ متوسل شود. برای بازسازی باید اعتماد کودک را بسوی خود جلب کرد.

### ۴- ترس:

کودک میترسد اگر راست بگوید کتک بخورد یا سرزنش شود. مثلاً از برادریا خواهر کوچکترش متنفر است از غذائی بدش می آید ولی از بزبان آوردنش وحشت دارد و می ترسد او را طرد کنند و یا محبت از او سلب شود مثلاً لیوانی را می شکند و از ترس دروغ می گوید، برای بازسازی باید به کودک فهماند لغزشش قابل بخشش است همانگونه که اگر توسط پدر یا مادر صورت گیرد قابل گذشت خواهد بود.

### ۵- آزمایش والدین:

اومی خواهد بیند آنها در برابر چنان وضع مقدر چه عکس العملی نشان خواهند داد- بدین نظر کاری را که انجام نداده بدروغ می گوید انجام دادم. بدیهی است اگر پدر و مادر حرفی نزنند او به مراد رسیده و کاری را که انجام نداده انجام خواهد داد. و

اگر والدین از شنیدن آن خشمگین شوند او با لبخند خواهد گفت شوخی کرده و از تنبیه می گریزد.

### ۶- جلب توجه:

کودک در میان جمعی فراموش می شود همه سرگرم کار و تلاش، صحبت یا بازی هستند بدون اینکه بدانند دل کوچکی در کنارشان می طپد و انتظار شرکت در بحث و مذاکره را دارد. کودک برای جلب نظر با دروغی بزرگ و اغراق آمیز یکباره خبر تلخی را میدهد سخنی می گوید که همه با اعجاب باو می نگرند. البته این گونه فردی در کارش موفق نیست. در همان لحظات اول با مختصر پرسشی خود را می بازد- رنگش تغییر می کند. به لکنت می افتد و شرمنده می شود. برای بازسازی طفل باید در جمع پذیرفته گردد او را به بازی بگیرند- در ضمن مذاکرات خود باو هم اجازه دهند که خود را بنمایاند و آنچه دارد عرضه کند.

### ۷- بدآموزی:

کودک دروغ بلد نیست آنرا از کسی آموخته و پیداست بیش از هر کس والدین و نیز معاشران کودک هستند که باو دروغ آموخته اند- فی المثل طفل را در رودربایستی قرار داده اند تا او اقرار کند برادر کوچکش را دوست دارد. در حالیکه او از برادرش متنفر است. طفل اسباب بازی یا غذایی را دوست دارد بشرطی باو می دهند که بگوید خواهر کوچکش را دوست دارد و او دروغ می بافد- پدر و مادر در حضور جمعی از مساله ای سخن می گویند که طفل می داند دروغ است و یا از مساله ای خبر می دهند که کودک به صحت و سقم آن آگاه است. و یا والدین که

فرزندشان را شریک جرم خود می کند مادر به فرزند می گوید به پدرت در این باره حرف نزن- و بالعکس و از طرف دیگر اتساق می افتد که در مورد فرزندمان دروغ می گوئیم برای آنکه نشدن او از موضوعی که ما را نگر می کند یا بطور ساده برای اینکه مطالبه چیزی که نمی توانیم باو دهیم منصرف شود می گوئیم فلان خوراکی تمام شده و نیست در حالیکه بچه می داند هست.

یا در خانواده هائی اجازه راسا گفتن به کودکان داده نمی شود کودک فرا می گیرد که دروغگوئی تظاهر پاداش دارد و برای آنکه مورد محبت قرار گیرد دروغ می گوید. برای مبارزه با دروغگوئی، والدین در درجه اول باید با واقعیت مواجه شوند و برای شنیدن تلخیا و شیرینیا توسط کودک آماده گردند. والدین باید بدانند که زندگی همواره شیرین نیست و تمام جهات زندگی را موارد مثبت و خوب نمی پوشاند بلکه زندگی با شادیا نگرانیها توأم است اگر کودک بی برنگی که بخاطر دروغگوئی تشویق و بخاطر راستگوئی تنبیه نخواهد شد نیازی به جعل واقعیت برایش وجود نخواهد داشت.

### ۸- تظاهر:

بچه تظاهر به خستگی یا حتی بیماری می کند تا از نوشتن انشا معاف شود یا تنها برای اینکه به کلاس نرود، بچه ای که تظاهر می کند، بیشتر اوقات هدفش آنست که از زیر بار هرگونه سعی و تلاش شانه خالی کند، و آنوقت دیگر مسئله تحریر عزت نفس در میان نیست راه درمان این است که ممکن است بچه در عین شدید نشان دادن خستگی

د حقیقتاً برای کار کردن مشکل شده باشد ممکن است بیزاری از کار د گذر و یکنواخت داشته باشد سعی مید وضع یکنواخت او را تغییر دهید. اگر رفع نشد او را به پزشک نشان مید تا معلوم شود آنچه سبب تبلی او شده علت جسمانی است یا نه. انگیزه‌های دیگری نیز هستند مثلاً لاف از پردلی و شجاعت هائی که کرده خواهد زد. از بزهکاریهاییکه برتکب نشده تا بنوعی تظاهر به شونت طبع و قساوت قلب کرده باشد بها نباید تشویق شود و کودک بفهمد که در شما بی اثر است.

بچه‌ایکه اصلاً لاف زن است بطور کلی بچه‌ای است که بحق یا ناحق نسبت به محیط مفروضی احساس سستی و زیردستی می کند. مثلاً اگر در میان بچه‌های کوچکتر خانواده است می شنود که کارهای برجسته و بیروزیهای بچه‌های بزرگتر از خودش را چه در کلاس و چه در جاهای دیگر که نقل می کند و او که هنوز در جرگهٔ بلافصل بزرگترهای خانواده راه ندارد خود را زیردست حس می کند. آنوقت چیزی از خودش اختراع می کند تا او هم برای خود شنوندگانی داشته باشد و مورد تقدیر قرار گیرد. مؤثرترین راه اصلاح این است که کمکش کنید رشد کند و ارزش واقعی کسب نماید که مایهٔ غرور و سربلندیش گردد.

۹- تحمیل نمودن تکالیف سنگین و توقع بیش از طاقت داشتن اولیاء و مریبان از کودک و نوجوانان:

سخت گیریهای اولیا اطفال و توقعات نادرستی که فوق طاقت کودکان است آنان را به راه دروغگوئی میکشاند و این خلق ناپسند را در وجود آنان بیدار می کند. در

بعضی از خانواده‌ها و اکثراً در خانواده‌های مرفه- نمرهٔ بیست و عالی برایشان خیلی مهم است بچه درس را حفظ می کند و در اثر فشار والدین حس رقابت شدیدی با سایر دوستان در او پیدا می شود که منجر به حسادت می شود. تمام هم و غمش در حفظ کتاب است و با این حال اگر نمرهٔ عالی نگیرد مورد سرزنش اولیاء قرار می گیرد و منجر به دروغگوئی او به معلم می شود به فکر جعل نمره می افتد تا نمره اش را تغییر دهد و یا به اولیاء نشان ندهد و بگوید امتحان نداشتیم. و بطور کلی:

### ۱۰- ترس، ضعف، عجز:

احساس حقارت، عقدهٔ حقارت یا بعضی از حالات نفسانی و نظیر اینها می تواند بشر را از راه مستقیم فطرت راستگوئی منحرف کند و به دروغگوئی بکشاند.

پیامبر فرمود: «لایکذب الکاذب الا من مهانه نفسه» دروغگو دروغ نمیگوید مگر به سبب حقارتی که در نفس خود احساس می کند.

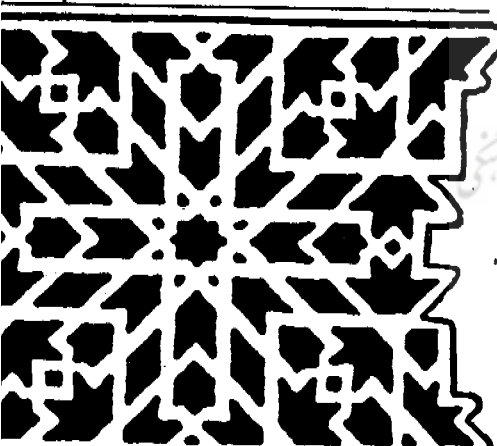
دروغگوئی یکی از اقسام ظلم است و از نظر روانی ظلم ناشی از ضعف ظالم است. مدیونی که از پرداخت دین خویش عاجزست در منزل می نشیند و به فرزندش دستور دروغ می دهد که به طلبکار بگویدم در خانه نیست. کارمندی که بدون علت سرکار خود حاضر نشده از ترس دروغ می گوید. دروغ عبارت از انعکاس و تغییر شکل عقده‌های حقارت و ترس یا سایر حالات روانی است. و عبارتی دیگر این عقده‌های روانی و ضعفهای درونی مردم است که بصورت دروغ در شکلهای مختلف خودنمایی می کند- بهر نسبتی که فرد

و خانواده و ملت بیشتر دچار ضعف و حقارت باشند بیشتر دروغ می گویند.

### طریق اصلاح و بازسازی:

اشتباه و ناتوانی ما در مبارزه با دروغ همه از آنجا سرچشمه می گیرد که ما این عمل را از نظر نفس آن قضاوت می کنیم. بدون اینکه علت، هدف، و نوع دروغ و شرایط و کیفیت و وضع دروغگورا در نظر آوریم. که هر کدام را باید طبق شرایط و موقعیت بکار بست.

۱- نشان دادن ارزش راستی به کودک: باید کودک را در محیط صدق و راستی نشو و نما دهیم آیا می توانیم اطمینان داشته باشیم که همیشه به کودک سرمشق راستی داده‌ایم و در درجهٔ دوم کودک باید بفهمد که راستگوئی دارای ارزش و دروغگوئی کاری خطا و بی ارزش است او باید نتایج و آثار زشت دروغ را از طریق داستانها بیان کند و حتی در مواردی



باید به او فرصت دهند که عواقب تلخ آنرا شخصاً درک و لمس کند. که مثلاً دروغگوئی چه رسوائیهایی دارد. (داستان راستگوئی ابوذر وقتیکه از ترس دشمنان پیامبر روی دوشش بود و او راست گفت خدا هم کمکش کرد و دشمنان باور نکردند.)

بخصوص در خفا و با مهر و صفا توأم باشد باید به کودک تفهیم شود که دروغگونی مورد نفرت والدین و دوستان و از همه مهمتر نارضانی خداوند است و سرانجام رسوائی او و خانواده است که مورد علاقه آنان نیست.

۳- اجازه بیان احساس:

کودک باید مجاز باشد که احساس خود را بصراحت بیان کند در صورتیکه آن احساس زنده باشد باو تفهیم گردد که بتدریج آنرا ترک کند. اینکه برای کودک منعی ایجاد کنیم که چاره‌ای نداشته باشد جز آنکه امر مورد علاقه ما را بر زبان براند نوعی خطاست. او بدون دلهره و هراس باید بتواند بگوید که از فلان شخص متنفر است. از فلان غذا خوشش نمی آید از انجام آن کار عاجز است و بدیهی است که در موارد بسیاری پس از فهم احساس و نظر او می توان قانعش کرد و بسوی هدف مورد نظر جهتش داد.

۴- بخشیدن او:

در مواردی کودک اشتباه می کند و راه خطا می رود. آنچه مریب باید رعایت کند مراقبت از او برای عدم صدور خطاست حال که خطائی پدید آمده ناگزیر باید بر او بخشید و باو تفهیم کرد که نیازی به دروغ ندارد- کودک را هرگز بخاطر اشتباهش نباید تنبیه کرد. و نیز هرگز طفل را بخاطر حرف راستی که زده نباید کتک زد. حداکثر اقدام در این زمینه تذکر و هشدار است و همچنان نباید سعی در غافلگیر کردن طفل داشت که او بی اختیار بدروغ متوسل شود.

۵- همدردی با کودک:

کودکی که سرگرم بازی بوده و

لباسش کتیف شده یا پاره نباید مورد بازخواست قرار گیرد مگر آنکه قبلاً تذکرات لازم داده شده باشد، تازه با این حال نباید تنبیه بدنی شود، حداکثر تنبیه او ملامت، هشدار- اخطار و یا محروم کردن او از بازی برای یکی دو روز است.

۶- سکوت- سکوت‌های معنی دار

در موارد بسیاری از میچ گیری هم مفیدتر و موثرتر است با نگاه تأسف بار، سکوت، با عدم خنده، با چهره غم آلود باو نشان دهیم که دریافتیم حرفه‌ایت از روی حساب نیست و توداری دروغ میگوئی. فی المثل کودکی می خواهد ما را با دروغ خود بخنداند و یا متعجب کند و در چنین مواردی بهترین راه این است که به دروغ او نخندیم و یا ابراز تعجب نکنیم. و یا با دنباله گیری از حرفها و سئوالات باو نشان دهیم که دریافتیم حرفه‌ایش بی اساس است.

۷- اخطار:

در مواردی که این راه و روشها بی اثر بود و در فرد سازندگی ایجاد نکرد می توان به اخطار و تهدید پرداخت که از این پس آبروی ترا خواهیم برد. و یا باو اخطار کنیم که از این پس ناگزیریم کار ترا با دوستان و بستگان در میان بگذاریم تا آنها بفهمند حرفهای تویی اساس است و فریبت را نخورند. ولی در همه حال نیز بایستی با استفاده از ملاحظات و رودربایستی های دوستانه و از راه خیرخواهی حل شود و به اینجا نکشد.

نکات قابل توجه اینکه:

۱- بر والدین و مربیان ضروری است که بین واقعیت و پندار کودکان فرق بگذارند و هر سخن طفل را حمل بر دروغ نکنند زیرا حتی ممکن است کودک صحنه‌ای را در خواب ببیند و

آنها واقعیت بدانند.

۲- والدین نباید نقش یک کارآگاه را برای کودک بازی کنند سئوالاتشان از کودک نباید جنبه بازجویی داشته باشد که منجر به اعتراف یک دروغ و یا سلب واقعیتی شود.

به محضی که روشن شد کودک سخنش دروغ است باید پرسشها را بسر کرد و به جستجوی علل پرداخت.

۳- نوع سئوالات نباید بگونه‌ای باشد که طفل دریابد، دارید میچ اور می گیرید چون در آن صورت برای فرار از مسأله ناگزیر به دروغ خواهد شد.

۴- دروغگویی های متعدد و متوالی نشاندهنده منشاء اضطرابی در کودک است باید کوشید آنها پیدا نمود.

۵- کودک را نباید مجبور کرد که از بین دو مسئله‌ای که هر دو دروغ است یکی را انتخاب کند. چون هر دوی آنها زیانبخش است.

۶- هرگز با ناشیگری خود نباید زمینه را برای دروغگویی او فراهم کرد، در همه حال محیط او را توأم با امنیت و آسایش خاطر باید کرد. در کتاب کودک از نظر وراثت و تربیت آقای فلسفی حدیثی از رسول اکرم است که علت پیدایش و پیشگیری بیماری دروغ را در چهار دستور پیامبر می فرمایند:

حدیث بدینگونه است که

رسول اکرم (ص) می فرمایند: خدای رحمت کند کسی را که در نیکی و سیکوکاری به فرزند خویش کمک کند. راوی حدیث پرسید: چگونه فرزند خود را در نیکی یاری نمایی؟ حضرت در جواب دستور داد ۱- یقبل میسوره. آنچه را کودک در قوه و قدرت داشته و انجام داده است از او قبول کند. ۲- يتجاوز عن معسوره. آنچه انجام آن برای کودک سنگین و طاقت فرساست از او نخواهد ۳- ولا یرهقه. او را به گناه و طغیان وادار نکنند. ۴- ولا یخرق به. به او دروغ نگویید و در برابر او مرتکب اعمال احمقانه نشود. و ما می بینیم که کلیه این دستورات در مورد پیشگیری از دروغ همان است که روانشناسان و دست اندرکاران امر تعلیم و تربیت شرقی و غربی بر اثر مطالعات و تحقیقات بسیار به آن رسیده اند و یا خواهند رسید.

با توجه به نقش الگونی اولیاء مربیان و معلمان - ودقیق و ظریف بودن مسئله دروغ و انواع آن ضروری است که به عنوان تذکر هم شده مقداری در مورد مسئله دروغ و انواع آن با استفاده از آیات و روایات مطالبی عرض شود تا به حول و قوه الهی راهی در جهت اصلاح نفس انسان و بخصوص زائل شدن بذایل اخلاقی در وجود انسان باشد.

دروغ از گناهان کبیره است و صفتی است که آدمی را در دیده ها خوار و در نظرهای بی ارزش و اعتبار می سازد و سرمایه خجالت و انفعال و باعث دلشکستگی، سبب و اسباب ریختن آبرو در نزد خلق خدا و باعث سیاه رونی دنیا و آخرت است. قرآن می فرماید: «اتما یفتري الکذب الذین لایؤمنون» جز این نیست که اقترا می بندند، کسانی که ایمان به خدا ندارند. پیغمبر فرمود: هرگاه مومنی بدون عذر شرعی دروغ بگوید هفتاد هزار فرشته بر او لعنت می کنند و از دل او تعفن و گندنی بلند می شود که تا عرش می رود.

امیرالمؤمنین (ع) می فرماید: بنده مژه ایمان را نمی چشد تا دروغ را ترک کند خواه از روی شوخی و هزل یا از روی جد.

در چه مواقعی دروغ جایز است؟  
۱- درجائی که اگر مرتکب دروغ نشود مفسده ایجاد می شود مثلاً باعث قتل مسلمانی یا بر باد رفتن آبروی مال محترم او بشود جایز بلکه واجب است.

۲- اگر ظالمی کسی را بگیرد و از مال او بپرسد جایز است انکار کند و یا اگر جابری او را بگیرد باید کاری را که کرده بگوید من نکرده ام.

۳- بین دونفر، اختلاف است کسی از برای اصلاح میان آنها دروغی از زبان هریک به دیگری گوید تا رفع فساد شود و یا اگر از شخصی کار سرزده باشد که گفتنش باعث عداوت مومنی یا فساد می شود باید انکار کند.

۴- زن از شوهر چیزی خواهد که قادر نباشد یا قادر باشد اما بر او واجب نباشد جایز است که وعده دهد که می گیرم، گرچه قصد گرفتن نداشته

باشد.

۵- هرگاه طفلی را به شغلی مأمور می شود یا به مکتب فرستاده شود و او رغبت بآن نکند جایز است او را وعده دهی یا بترسانی که با تو چنین و چنان خواهم کرد اگر چه منظور تو کردن آن نباشد.

۶- در جهاد و جنگ با دشمنان دین. اگر به دروغ خدعه توان نمود که سبب پیروزی شود. البته باید از حد ضرورت و احتیاج تجاوز نکرده ولی دروغ گفتن در تحصیل زیادتی مال و منصب و امثال اینها که از چیزهایی است که آدمی مضطرب آنها نیست حرام و مرتکبین گناهکارند.

و سفارش شده که در هر مقامی که دروغ گفتن به حسب شرع رواست تا توانی در آن دروغ صریح مگویی بلکه توبیه کن یعنی سخنی بگویی که ظاهر معنی آن راست باشد گرچه آنچه را شنونده از آن میفهمد دروغ بوده باشد تا نفس عادت به دروغ نکند مثلاً گفتن: الله اعلم.

از جمله آن دروغهایی که مردم بآن عادت دارند و حرام است.

۱- آن است که کسی وارد شود بر کسی که دارد چیزی می خورد و او را تکلیف کند بخوردن طعام و او گرسنه باشد بگوید اشتها ندارم- در شرع انکار آن غذا را حرام دانسته اند- هرگاه کس خدا را گواه می گیرد بر دروغش خداوند عالم می گوید از من ضعیفتر نیافتی که مرا بر این امر دروغ شاهد آوردی

قسم دروغ حرام است- بلکه قسم بسیار خوردن راست مذموم است. و نام بزرگ خدا را به سبب هر جزئی حقیر در میان آوردن سوء ادب است.

۲- از جمله دروغها خلف وعده

## شخصیت

بقیه از صفحه ۱۳۱

۳- عوامل بعد از تولد: حدود بسیار کمی از کودکان ممکنست در این مرحله مبتلا به عقب افتادگی ذهنی گردند. بیماریهای کودکی بخصوص سیاه سرفه می تواند سبب کندی قوای دماغی گردد. بیماریهای آنسفالیت و مننژیت نیز از جمله بیماریهایی هستند که ابتلای به آنها می تواند سبب اختلال در رشد قوای دماغی گردند. و این موضوع در مورد کودکانی که کمتر از سه سال دارند بیشتر دیده شده است.

عقب ماندگی اجتماعی - این دسته از عواملی که در فوق ذکر شد از جمله عوامل زیستی به شمار می روند که علل عمده ای نیز در عقب افتادگی ذهنی محسوب می شوند. ولی ممکنست گاهی عقب ماندگی کاذبی نیز بر کودکان عارض شود که به آن عقب ماندگی اجتماعی می گویند که در اثر نقایص محیطی مانند نارسائیهای اقتصادی و فرهنگی در کودک بوجود آید. کودک محروم از فرهنگ ممکنست طبق کلیه ظواهر به اندازه کودک دارای نقص ارگانیکی عقب مانده بنظر برسد. کودکی که در فقر بسر می برد و دچار سوء تغذیه می باشد و مواد غذایی لازم را برای رشد جسمانی و روانی خود دریافت نمی کند نیز ممکنست علائم عقب ماندگی ذهنی را از خود بروز دهد.

قول نمائیم. توجه صمیمانه و تشویق از پایان کارهای مفید عامل مؤثری اعتماد به نفس محسوب میگردد.

۱۳- عدم تحقیر دانش آموزان:

تحقیر زمینه مناسبی برای ترسیدن زاهم مینماید، لذا بایستی حفظ رومت کودکان و نوجوانان در خانه و درسه مورد توجه اولیاء و مربیان قرار گیرد.

۱۴- پرورش زمینه های شجاعت شهامت در فرد- برای اینکه افراد جامعه در حفظ سلامت سیاسی و فکری حفاظت حدود و ثغور کشورهای اسلامی نقش مؤثر داشته باشند. این امر نیاز به ابراز شجاعت دارد و یکی از موریکه در تعلیم و تربیت مطرح میشود نیست که در زمینه های عاطفی به فرد یادگیری ابراز عواطف مانند خشم و پرس و شادی و طرز کنترل آنها کمک شود و بدین ترتیب موجبات رشد بیشتر فرد را فراهم آوریم.

و تربیت اسلامی متکی بر پرورش روحیه های قوی و مقاوم تأکید می نماید و لذا امام عزیز و بزرگوارمان خطاب به معلمان فرمودند که «محیطی بوجود آورید که اطفال ما از شیرچگانی که همیشه پشت جبهه مقاومت علیه آمریکا ایستادگی نمایند و در جبهه جنگ علیه متجاوزین با قدرت و صلابت تمام جهاد نمایند.»

منابع:

- ۱- روانشناسی رفتار غیرعادی (مرضی) ترجمه و تألیف دکتر پروین بیرجندی
- ۲- تربیت کودک در جهان امروز- دکتر احمد بهشتی

## دروغگوئی...

بقیه از صفحه ۱۴۷

است که آن نیز حرام است.

۳- از دروغهاییکه بآن مبتلاییم در نماز است که می گوئیم ایاک نعبد و ایاک نستعین ترا پرستش می کنم و بس و یاری از تومی خواهیم و در آنوقت دل او از این مطلب بی خبر باشد و در کوچه و بازار و مدرسه به صد هزار فکر بیهوده مشغول باشد چه در آنوقت آنچه عرض کرده دروغ است.

در جاهائیکه ما برای مبالغه و زیادتی میگوئیم صدبار گفتم هزاربار در صورتیکه این مقدار نبوده این دروغ است.

از جمله اسباب رسوائی دروغگو آنست که خدای تعالی فراموشی را باو مسلط ساخته و بهمین وسیله رسوا می شود.

امام صادق (ع) فرمود: از جمله چیزهاییکه خداوند بر دروغگو گماشته نسیان است و دروغگو مشهور شد که کم حافظه است.

منابع:

- ۱- معراج السعاده- مرحوم نراقی
- ۲- گناهان کبیره در جلد اول- شهید دستغیب
- ۳- کودک از نظر وراثت و تربیت جلد دوم- حجت الاسلام فلیفی
- ۴- تربیت و بازسازی- دکتر قائمی
- ۵- فنون و تربیت کودک- دکتر شفیع آبادی
- ۶- رفتارهای بهنجار و نابهنجار در کودکان و نوجوانان و راههای پیشگیری و درمان آن، دکتر شکوه نوایی نژاد
- ۷- مشکلات تعلیم و تربیت جلد اوّل: مترجم: فتح اله حبیبی